

کنکوری دات بلاگ تقدیم میکند

- تست های فصل به فصل دروس اختصاصی
- پاسخ پرسش های ارائه شده در کتاب درسی
- ارائه مختصر، مفید و کاربردی نکات کنکوری

از مطالعه لذت ببرید



 www.konkoori.blog.ir

« کنکور چیزی جز کتاب نیست و کتاب خواندن، کار دانش آموزان حرفه ای



زبان انگلیسی ۲
سال دوم دبیرستان
درس اول

Lesson one

Vocabulary	تلفظ	لغت: ترجمه فارسی
According to	اکوردینگ تو	بر طبق
banana	بُن نا	موز
bill	بیل	صورتحساب
cage=a box made of bars	کیج	قفس
Cassette player	کاست پلی یر	ضبط صوت
Copy	کاپی	رونوشت
decide=make decision	دی ساید	تصمیم گرفتن
Do right	دورایت	درست انجام دادن
Find out= understand	فایند آوت	فهمیدن
For a while	فورابل	برای مدتی
Get cold	گت کلد	سرما خوردن
Give back=refund	کیوبک	پس دادن
Keep on=continue	کیپ آن	ادامه دادن
Lanquaqe lab	لنگوویچ لب	آزمایشگاه زبان



Make a mistake	مکِ اِمسِ تِک	اشتباه مرتکب شدن
math	مُث	ریاضی
Motorcycle	موٹو سَای کِل	موتور سیکلت
Passage	پُسیج	گذرگاه - پاساژ - محل عبور
Pick up	پیک آپ	برداشتن
politely ≠ impolitely	پولایت لی	مودبانه
puzzle	پازل	معما - جدول
Request	ری کورِست	خواهش کردن - تقاضا
reward	ری وارد	جایزه ، پاداش
right=directly	رایت	راست - درست
Run out of= finish	ران اوت آلو	تمام شدن از
slice	اِس لایس	برش - قاچ
Sugar	شوگر	شکر
take=separate	تیک	از هم جداشدن
Tape	تیپ	نوار
Unhappy ≠ happy	آن هپی	غمگین
unusual ≠ usual	آن یوژوآل	غیر عادی
upset = angry = sad	آپ ست	ناراحت

آیا لطف می کنید؟

خواهش می‌کنم، خوش

آمدید

A New Words

لغات جدید

1. There are a banana and a slice of cake on the plate

یک موز و یک برش کیک در بشقاب است.

What are there on the plate?

در بشقاب چه چیزی وجود دارد؟

- there are a banana and a slice of cake on the table.

روی میز یک برش کیک و یک موز در بشقاب وجود دارد.

Is there a slice of banana on the plate?

آیا یک قاچ موز در بشقاب است؟

No, there isn't a slice of banana on the plate

نه، یک قاچ موز در بشقاب نیست.

2. This monkey learns very fast when she does the puzzle

right, the man gives her a reward

این میمون خیلی سریع یاد می گیرد

وقتی او معما را خوب انجام می‌دهد، مرد به او یک جایزه می‌دهد.



Can she do the puzzle right?

آیا او می تواند معما (پازل) را درست انجام دهد؟

Yes, she can

بله، او می تواند

Why does the man give her a reward?

چرا آن مرد به او یک جایزه می دهد؟

- Because she does the puzzle right.

زیرا او (میمون) معما را درست انجام می دهد.

Do you do your home work just for a reward?

آیا شما تکلیف خود را فقط برای (دریافت) یک جایزه انجام می دهید؟

No, I don't do my home work for a reward.

نه، من تکلیفم را برای دریافت یک جایزه انجام نمی دهد.

3. This puzzle is too hard for me

این معما برای من خیلی سخت است.

I can't find out how to do it.

من نمی توانم بفهمم که چگونه آن را انجام دهم.

If you keep on trying, you'll soon learn how to do it.

اگر شما به تلاشتان ادامه دهید، به زودی یاد می گیرید که چگونه آن را حل کنید.

Does he know how to do the puzzle?



آیا او می داند که چگونه معما را حل کند؟

-No he doesn't

نه، او نمی داند

What should he do?

او بایستی چه کند؟

-He should keep on trying hard

او بایستی به تلاش خود با جدیت ادامه دهد.

4. Mother , please bake a cake for us today.

مادر ! لطفا امروز برای ما یک کیک پز.

Sorry, I can't, we're run out of sugar.

متاسفم، نمی توانم . شکرمان تمام شده است.

Why can't she bake a cake today?

چرا او امروز نمی تواند یک کیک پزند؟

Because they have run out of sugar.

زیرا آنها شکرشان تمام شده است.

5. You have many books. May I borrow one of them?

شما خیلی کتاب دارید. آیا ممکن است من یکی از آن را قرض بگیرم؟

I'll give it back in two days.

من در مدت دو روز آن را پس می دهم.



What does she want to borrow?

او چه می خواهد قرض بگیرد.

-She wants to borrow one of the books.

او می خواهد یکی از کتابها را قرض بگیرد.

Is she going to give it back soon?

آیا او قصد دارد آن را به زودی پس بدهد؟

Yes, she'll give it back in two weeks

بله، او آن را در ظرف دو روز برمی گرداند.

6. He is taking the clock a part

مشغول تکه تکه کردن ساعت دیواری می باشد.

what is he doing?

او چه می کند؟

He is taking the clock apart.

او مشغول از هم باز کردن ساعت دیواری است.

7. He picked up the newspaper and looked at the

Pictures, carefully.

او روزنامه را برداشت و با دقت به عکسها نگاه کرد.

What did he pick up?

او چه برداشت؟



He picked up the newspaper

او روزنامه را برداشت.

What did he do then?

بعد او چه کار کرد؟

He looked at the pictures carefully

او با دقت به عکسها نگاه کرد.

8. They are going to build a language lab in our high school

آنها قصد دارند یک آزمایشگاه زبان در دبیرستان بسازند.

We will listen to tapes in the language lab.

ما در آزمایشگاه زبان به نوارها گوش می دهیم.

What are they going to do?

آنها قصد دارند چه کار کنند؟

They are they going to build a language lab.

آنها قصد دارند یک آزمایشگاه زبان بسازند.

What will we' do there?

ما در آنجا چه کار خواهیم کرد؟

You will listen to tapes there.

شما در آنجا به نوارها گوش خواهید کرد.

Practice your New Words



لغات جدید خود را تمرین کنید

Fill in the blanks with new words from this lesson.

جاهای خالی کلمات را با لغات جدید از درس پر کنید.

1. Give me a **slice of** cheese

یک برش پنیر به من بدهید.

2. I tried very hard but couldn't do **it right**

من خیلی سخت سعی کردم اما نتوانستم آن را به درستی انجام دهم.

3. Let's buy some tea. We've run **out** of tea.

بیا بید قدری چای بخریم. چای ما تمام شده است

4. A language **lab** is a very good place to learn English

یک آزمایشگاه زبان مکان خیلی خوبی جهت فراگیری انگلیسی است

5. She was very tired but she wanted to **keep on** working

او خیلی خسته بود اما او می خواست بکار کرد ادامه دهد.

Reading

مطلب خواندنی

WASHOE AND THE PUZZLES

1. washoe is a monkey she lives in a lab



واشو یک میمون است. او در آزمایشگاهی زندگی می کند.

The lab is a place where men and woman study monkeys and other animals.

آزمایشگاه مکانی است که مردان و زنان میمونها و سایر حیوانات را در آنجا مورد مطالعه قرار می دهند.

They study the animals to find out how they learn.

آنها حیوانات را مورد مطالعه قرار می دهند تا بفهمند که آنها چگونه یاد می گیرند.

2. one day a man put a puzzle in was hoe's cage.

روزی مردی معمایی را در قفس واشو گذاشت

Washoe had to take the puzzle apart.

واشو بایستی این پازل را از هم باز کند.

Each time she did it right. The man gave her a slice of banana

هر دفعه که او این را درست انجام می داد آن مرد به او یک قاچ موز می داد.

That was her reward.

این جایزه او بود.

3. washoe didn't eat the banana slices.

واشو قطعات موزها را نمی خورد.

She just put them there.

او فقط آنها را آنجا (کنارش) می گذاشت



4. The man made the puzzle harder.

آن مرد پازل را سخت تر کرد.

But was hoe soon leaned how to take it apart

اما واشو بزودی آموخت که چگونه آنها را از هم جدا کند.

5. Then the man ran out of banana. What now?

بعد موزهای آن مرد تمام شد . حالا چه می شود؟

Would she keep on doing puzzles without a reward?

آیا او (میمون) بدون اجازه به انجام پازلها ادامه می داد؟

6. Washoe looked at him. She waited

واشو به او (آن مرد) نگاه کرد او منتظر ماند.

The man gave her the next puzzle

مرد پازل بعدی را به او داد.

Washoe took it apart

واشو آنها را از هم باز کرد.

Then she picked up a slice of banana

بعد او یک تکه موز را برداشت.

She put it out side the cage for the man!

او آن (قطعه موز) را بیرون از قفس برای مرد گذاشت.

7. And so it went. The man would give was hoe a puzzle



و این کار ادامه یافت . مرد به واشو یک پازل می داد.

And she would give back a banana slice

و او (میمون) یک قاچ موز را برداشت.

She kept on until she had returned all the bananas.

او به این کار ادامه داد تا تمام موزها را برگرداند.

8.washoe learned many new puzzles that day

واشو پازل‌های جدید زیادی آن روز یاد گرفت

And the man learned something too.

و مرد نیز چیزی آموخت.

He learned that some monkeys don't work puzzle only to get

Food

او آموخت که بعضی میمون‌ها پازلها را فقط برای بدست آوردن خوراکی انجام نمی دهند.

They do puzzle for the fun of it. Just like you and me!

آنها پازلها را برای تفریح انجام می دهند - درست مثل شما و من

C. Comprehension

درک مطلب.

Answer these questions orally



به این سؤالات شفهاً پاسخ دهید.

1. why do they study animals in a lab?

جرا آنها حیوانات را در آزمایشگاه مورد مطالعه قرار می دهند؟

They study animals to find out how they learn

آنها حیوانات را مورد مطالعه قرار می دهند تا بفهند چگونه آنها می آموزند.

2. where did the man put the puzzle?

آن مرد پازل را کجا گذاشت؟

He put it in was hoe's cage

او آن را در قفس واشو گذاشت

3. What did Washoe have to do with the puzzle?

واشو بایستی با پازلها چه می کرد؟

She had to take the puzzles apart.

او می بایستی آنها را از هم جدا می کرد.

4. What did the man learn that day?

آن مرد در آن روز چه چیزی یاد گرفت؟

He learned that some monkeys don't work puzzles only to get
food.



او آموخت که بعضی میمونها پازلها را فقط برای به دست آوردن خوراکی انجام نمی دهند.

5. Are all monkeys as clever as Washoe?

آیا همه میمونها به باهوشی واشو هستند؟

Yes, maybe the entire monkey is as clever as her

بله، ممکن است همه میمونها به زرنگی او باشند.

6. Do you like to play with a monkey like Washoe?

آیا ما دوست دارید با یک میمون مانند واشو بازی کنید؟

No, I don't like it.

نه، من آن کار را دوست ندارم.

True or False?

ترجمه این بخش نوشته شد درست یا غلط بودن آن را با T یا F می آوریم.

۱- بعضی مردم حیوانات را در آزمایشگاهی نگه می دارند زیرا حیوانات می توانند

خیلی چیزهای جدیدی را در آنجا بیاموزند (F)

۲- واشو همیشه پازلها را به درستی انجام نمی داد. (T)

۳- واشو وقتی که پازلها را انجام می داد، تکه های موز را نمی خورد. (T)



۴- بعد از این که آن مرد موزه‌هایش تمام شد، واشو دوست نداشت که پازلها را

انجا دهد. (F)

۵- انسانها و بعضی میمونها پازلها را فقط برای سرگرمی انجام می‌دهند. (T)

Complete the sentences. Use a, b, c or d

1. Why would the man give Washoe a slice of banana?

چرا مرد به واشو یک قطعه موز داد؟

a. Because Washoe was very clever

زیرا واشو خیلی باهوش بود. پاسخ (a)

2. what Washoe did was very unusual.

آنچه واشو انجام داد خیلی غیرعادی بود (b)

3. According to the passage, Washoe liked doing puzzles.

بر طبق درس واشو انجام دان پازلها را دوست داشت پاسخ (a)

4. The man learned new things about monkeys.

آن مرد چیزهای جدیدی درباره میمونها آموخت (پاسخ c)



Speak Out

«گرامر درس اول»

تعریف گذشته کامل (ماضی بعید)

کاری است که در گذشته‌ای دور یعنی دورتر از گذشته ساده انجام شده و کامل شده است سپس گذشته ساده انجام شده است .

فرمول + مفعول + Had + p.p + فاعل

We had seen this mosque before

نکته: برای سوالی و منفی کردن این زمان از فعل کمکی had برای همه فاعلها به طور یکسان استفاده می‌کنیم.

Had you washed your hands before you ate your lunch?

آیا شما قبل از این که نهارتان را بخورید دستهایتان را شسته بودید؟

کاربرد این زمان:

۱- وجود حرف اضافه Before , after در جمله مرکب همراه یک فعل زمان

گذشته ساده I went for the race after he had learned how to swim



بعد از این که آموخته بود چگونه شنا کند به مسابقه رفت

گذشته کامل ← Befor → گذشته ساده
گذشته کامل ← After → گذشته ساده

I had studied this story before you came back

من این داستان را مطالعه کرده بودم پیش از این که شما برگشتید.

* وجود قید previously (قبلاً)

Previously, they had cleaned this place

قبلاً آنها این محل را تمیز کرده بودند.

* وجود by the time (تا وقتی که) همراه یک فعل گذشته ساده

گذشت کامل + گذشت ساده + By The time

My father had left home by the time I arrived

زمانی که من وارد خانه شدم برادرم خانه را ترک کرده بود.

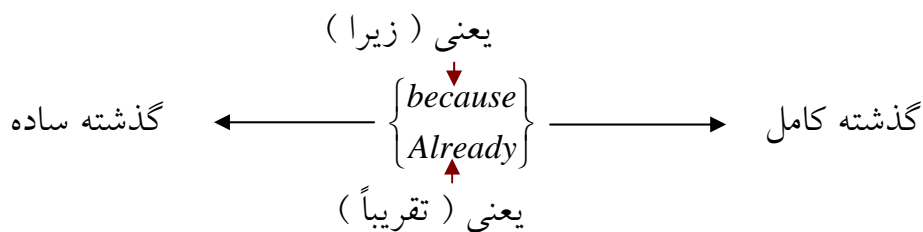
* در زمانی که when در جمله باشد می توانیم از گذشته کامل و گذشته ساده

و گذشته استمراری استفاده کنیم.

گذشته کامل
گذشته استمراری
← When → گذشته ساده

* در زمانی که because, already در جمله باشد می توانیم از گذشته کامل و

گذشته ساده استفاده کنیم.



*he had already learned how to swim when he was 8
years old

Speaking 1

گوش کنید و تکرار نمایید.

در این قسمت شما مطالب را با صدای بلند برای خودتان تکرار کنید. و معنی این جملات به شرح زیر است:

ساعت ۱۰ شب بود. علی می خواست به رختخواب برود. او خیلی کارها را قبل از این که به رختخواب برود انجام داده بود.

۱- او همه تکالیفش را انجام داده بود.

۲- او به اخبار گوش کرده بود.

۳- او شامش را خورده بود.

۴- او دندانهایش را مسواک کرده بود.

۵- او تلویزیون تماشا کرده بود.

۶- او نمازش را خوانده بود.

۷- او نامه ای به دوستش نوشته بود.

۸- او به والدینش شب به خیر گفته بود.



Speaking 2

جایگزینی

لغات را در جملات جایگزین کنید، تغییرات لازم را انجام دهید.

I had eaten a sandwich before I went to bed

من قبل از این که به رختخواب بروم یک ساندویچ خورده بودم.

1. Ali had eaten a sandwich before he went to bed
2. She had eaten a sandwich before she went to bed
3. Mr. Amiri had eaten a sandwich before he went to bed
4. My sister had eaten a sandwich before she went to bed
5. My sister had cooked dinner before she went to bed

در اینجا had cooked تغییر کرده و ضمائر هیچ تغییری نمی کند.

Ali was tired because he had walked for 5 hours.

علی خسته بود زیرا پنج ساعت راه رفته بود.

1. Ali was upset because he had lost his money.

علی ناراحت بود زیرا پولش را گم کرده بود.

2. Ali was sorry because he had made a big mistake.

علی غمگین بود زیرا اشتباه بزرگی کرده بود.

3. Ali was happy because he had helped the old man

علی غمگین بود زیرا اشتباه بزرگی کرده بود.



4. Ali was unsent because he had got bad mark

علی ناراحت بود زیرا او نمرات بدی گرفته بود.

5. Ali was tired because he had worked very hard

علی خسته بود زیرا خیلی سخت کار کرده بود.

6. Ali was happy because he had finished his homework

علی خوشحال بود زیرا تکلیفش را تمام کرده بود.

7. Ali was tired because he had worked on the farm.

علی خسته بود زیرا روی مزرعه کار کرده بود.

به این سوالات جواب دهید، از مثال کمک بگیرید **Speaking 3**

Model: Had you washed the dishes before they arrived?

(Clean the room.)

آیا شما ظرفها را قبل از ورود آنها شسته بودید؟ (تمیز کردن اتاق)

No, I had n't

نه، من این کار را نکردم.

I had cleaned the room before they arrived

من اتاقها را تمیز کرده بودم قبل از این که آنها وارد شوند.



1. No, he hadn't

He had written a letter before I telephoned him

2. No, They hadn't.

They had learned English before they left the country

3. No, he hadn't

John had bought the tickets before the match started

4. No, he hadn't

He had lived there for a few years before I met him

5. No, I hadn't

I had put the dishes on the table before I went out

6. No, she hadn't.

she had cleaned the rooms carelessly before they arrived .

She had cleaned



write it Down

یادداشت کنید

Writing 1.

این جملات را با کلمه because بهم ربط دهید.

1. Ali was very tired last night because he had played football all afternoon yesterday.

علی دی شب خیلی خسته بود زیرا تمام بعدازظهر دیروز را فوتبال بازی کرده بود.

2. Ahmad played ping-pong very well because he had practiced ping-pong for many years.

احمد پینگ پنگ را خوب بازی می کرد زیرا آن را چندین سال تمرین کرده بود.

3. The boys decided to rest because they had walked for 10 kilometers.

پسران تصمیم گرفتند که استراحت کنند زیرا آنها ده کیلومتر راه رفته بودند.

4. Mrs Jones was very happy because she had found her little son

خانم جونز خیلی خوشحال بود زیرا پسر کوچکش را پیدا کرده بود.

5. Jame didn't go there because they hadn't invited her

جین آنجا نرفت زیرا آنها او را دعوت نکرده بودند.



6. Mr White didn't wear the shirt because his wife hadn't

Washed it

آقای رایت پیراهنش را نپوشید زیرا همسرش آن را نشسته بود.

Writing 2

به سؤالات زیر پاسخ دهید. از کلمات داد شده در پرانتزها استفاده کنید.

* در این تمرین شما کاربرد گذشته ساده و گذشته کامل را یاد می گیرید.

1. I was unhappy last night because I had read a sad story
2. I left my office early because I had finished my work
3. He didn't eat the fruits because he hadn't washed them
4. Jane was so happy because she had got very good marks
5. He was so upset because he had made a lot of mistakes
6. I didn't let Sally watch TV because she had not done her homework
7. Mary didn't go to their party because they had not invited her.
8. I gave her my book because she had lost her book



H.Vocabulary

مرور لغات

جاهای خالی را با این افعال پر کنید.

1. Do you usually **got up** early in the morning?
2. Please **turn down** the TV I want to study.
3. Don't you want to **give baek** the money you borrowed from me?
4. He **picked up** aslice of bread and gave it to me
5. They'll soon **find out** who has taken the money
6. **Put on** your coat ! It may get cold
8. my father **came back** from work very late last night

معنی لغات

- ۱- کم کردن ۲- برگشتن ۳- از خواب برخاستن ۴- پوشیدن
 ۵- لباس درآوردن ۶- برداشتن ۷- برگرداندن ۸- فهمیدن، دریافتن
 برای حل اینگونه تمرینات ابتدا معنی لغات را نوشته سپس به حل تمرین پردازید.

موفق باشید

الهه شاهقلی